

باقی سمندر

نهم حوت سال 1392 خورشیدی

یکم مارچ سال 2014 میلادی

کابل – افغانستان



سلام به همه عزیزانم در همه کشور ها ودر همه قاره های روی زمین
اینک که آخرین دقایق ادینه شب پایان رسیده است ومن برایشما چند گپی را مینویسم که
ممکن برایشما جالب و خواندنی باشد .

آنچه درمورد همبستگی شهروندان کابل و ولایات و استان های دیگر با نهمین روز
تحصن بکتاش سیاوش گفتنی است کم نیست ومن شما را به دیدن به صفحه خیمه

تحصن سیاوش دعوت مینمایم تا ببینیم و دریابیم که انسانهای به ستوه آمده چگونه بشکل فردی و جمعی پشتیبانی شانرا از بکتاش سیاوش بیان داشته اند.

آنچه را من می گویم بنویسم یادداشت ناتراش و ناخراشی است که از ساعت شش شام تا نیمه شب را در برمیگیرد.



در ساعت شش شام بیش از پنجاه تن از شاعران و علاقمندان شعر در ساحه خیمه ای تحصن با حضور گرم و اتشین شان در فضا و هوای سرد به معنی دقیق کلمه وواژه گرد هم آمده و در چهارگوشه شعله های آتشین را برافروخته بودند و تاریکی هارا روشن میساختند. در هرگوشه گروه های بیش از پنج انسان نشسته و باهم درمورد پشتیبانی و حمایت از اعتراض مدنی جوانترین نماینده پارلمان افغانستان گپ میزدند. تنی چند از جوانان در خیمه تحصن با بکتاش سیاوش نشسته بودند و تازه خانم شهلا زلاند با دوستانه نی در خیمه پا گذاشته و بعد از سلام با کلام شان از وکیل جوان حمایت شانرا اعلان نموده و گفت و شنود آغاز یافت .





در خیمه دگر خانمی که از دیروز به اینسو به تحصن اش ادامه میدهد نماز شام را ادا مینمود و تنی چند منتظر صحبت با ایشان بودند تا بعد از ختم نماز باوی هم صحبت کردند.

درخیمه دگر جوانانی با لپ تاب هایشان مصروف تهیه گزارش برای صفحه تحصن بودند و جوانانی هم خود شانرا آماده میساختند تا با شاعر فرهیخته ما بانو بهارجان سعید از راه دور تماس برقرار ساخته و ایشان با چامه سرایان از راه دور ببیوندند.

در گوشه دگر جوانانی از رسانه های دیداری خودرا آماده میساختند تا از گزارش هایی آماده سازند.

جوانانی هم شمع ها را به گرداگرد خیمه روش گردانیده و شمع ها خودشان میسوختند تا گرداگرد خودشانرا روشن گردانند. جوانانی دگر ارکین ها (چراغ های هوریکن یا توفانی دریا نوردان) را روشن گردانیده و به روی میز چامه سرایان و گرداگرد خیمه و روی دیوارهای سمندی می گذاشتند. کار جمعی و رضا کارانه و داوطلبانه درهرسو به چشم میخورد.

در گوشه دگر جوانانی به گرد سماوار جمع شده و سماوار آماده جوش نمودن آب بود.

سربازان پولیس ملی هم در گرداگرد خیمه ها گردش مینمودند و جلسه را جلسه ای حمایت از خود میدانستند و کوچکترین فاصله ای در اینجا بین پولیس و شهروندان وجود نداشت همه باهم نزدیک بودند.

بساعت هفت شام شاعر فرهیخته و شناخته شده کشور ما آقای یاسین نگاه مدیریت شب شعر را به عهده گرفته و خودش بکتاش سیاوش را دعوت به آغاز نمودن و باز نمودن و گشودن در سخن نمود. سخنان بکتاش سیاوش با کف زدن های ممتد توسط حاضرین بدرقه گردید.

چامه سرایان هریک بنوبه خویش حمایت شانرا از حرکت نمادین بکتاش سیاوش بیان داشته و خود را غم شریک خانواده سربازان شهید در کنر دانسته و پشتیبانی بیدریغ شانرا از قوای مسلح اردو - پولیس ملی و نیروهای امنیتی افغانستان اعلان نمودند. چامه سرایان جوان با به خوانش گرفتن و دکلمه نمودن اشعار شان مجلس را گرم تر ساختند.

امید وارم شعرای جوان ما اشعار شانرا به گردانندگان صفحه تحصن بکتاش سیاوش بسپارند تا به شکل نوشتاری هم منتشر گردند.

بساعت نه وسی دقیقه شب بکتاش سیاوش از شعرا و همه حاضرین سپاسگذاری نمود ه و محفل شعر پایان رسید.

جادارد تا متذکر گردم که بسا جوانان به ویژه دوجوان که یکی بنام داکتر صاحب و دیگری بنام رییس صاحب مانند همه جوانان در انجا شهرت نیک و به سزا دارند با همه تحص کنندگان نازنین از حاضرین در مجلس با غذای شب و چای گرم و میوه خشک پذیرایی نمودند.

بعد از صرف نان شب رییس صاحب کچالو ها را زیر خوریج و قوغ های اتش نموده و چای جوش آب را روی قوغ های اتش گذاشتند و دقایقی پسان تر از ان چای دم نمودند و باز هم رییس صاحب یک دامن میوه خشک و چند بلور نبات مزاری را برای حاضرین پخش نمود و جوانی دگری پیاله ها و چای را توزیع میکرد و این فضای باز و دوستانه

نشانگر از دموکراسی مشارکتی و پویا در گردهم ایی اعتراضی مدنی بود و همه شاهد شجاعت مدنی و نافرمانی مدنی شاعران جوان بودیم .

من بنوبه خویش باردگر پشتیبانی خویش را از تصمیم و حرکت بکتاشسیاوش بیان میدارم و خوشحالم که جوانان ما در زندگی روزه مره شان ازاده بودن شانرا جلوه گر ساختند.

اینک که ادینه شب جایش را به شنبه واگذار نموده و ساعت یک نیمه شب است من هم یادداشتهایم را به پایان میرسانم . شب و روز تان خوش . تحسن ادامه دارد.